یادداشت

سازگار کردن خود با تغییرات به هر شکل ممکن

داستان اول

در اواسط دهه ۱۹۸۰ در شرکت تبلیغاتی لئو بارنت (Leo Bumett)، پروژه‌ای با یکی از مشتریان مهم در حال اجرا بود. این مشتری شرکتی بود که در آن زمان مهم‌ترین و مشهورترین برند تولید خمیردندان در آمریکا بود و بیش از یک‌چهارم بازار خمیردندان کشور را در اختیار داشت. در همان سال‌ها شرکت جدیدی تاسیس شده بود به نام کرست (Crest) که توانسته بود با دستیابی به فرمول شیمیایی جدیدی از سدیم فلوراید مجوز و تاییدیه انجمن دندان‌پزشکی آمریکا را اخذ کرده و به شکل معجزه‌آسایی وطی مدتی کوتاه بازار خمیردندان آمریکا را قبضه کند و سهمی ۴۰ درصدی از بازار را به خود اختصاص دهد. شرکت لئوبارنت، تصمیم گرفت به داد مشتری قدیمی و مشهور خود برسد و کمک کند تا از این رقیب نازپرورده و نوآور عقب نماند. بنابراین، تصمیم بر این شد که یک برنامه تغییر ساختاری در حوزه طراحی و تولید محصولی جدید و تاثیرگذار در بازار به شرکت تولیدکننده خمیردندان پیشنهاد شود. در آن چند ماه تمام فکر و تمرکز تیم کاری روی این پروژه بود به شکلی که گویی خود از کارکنان شرکت تولید خمیردندان هستند و سرانجام موفق شدند از طریق تغییر ساختارهای اولویت‌محوری و مشتری‌یابی شرکت به محصول جدیدی برسند که توانست سهم از دست رفته از بازار را به شرکت طرف قرارداد خود بازگرداند؛ هر چند در این مسیر با موانع و مقاومت‌های بسیار زیادی از درون شرکت مواجه شدند که عرصه را بر آنها تنگ می‌کرد. با این همه این زحمات و تلاش‌ها در آن دوران نتیجه داد و از آن سه نتیجه کلیدی به‌دست آمد:

۱- تکنولوژی می‌تواند همه معادلات را برهم بزند چرا که با ورود یک نوآوری و فناوری جدید، تمام ساختارهایی که در گذشته درست عمل می‌کردند و مفید بودند، فرومی‌ریزند و لازم است که تغییرات ساختاری در اولین فرصت ممکن و به شکلی معنادار و آسان‌مدار در کلیه سطوح سازمان شکل بگیرد تا امکان تزریق آن تکنولوژی جدید به سازمان فراهم شود.

۲- رقابت و عملکرد موفق رقبا می‌تواند محرک و مشوق خوبی برای مدیران و کارکنان یک سازمان باشد تا تغییر و تحولاتی را که از قبل منتظر داشتند اما جای اجرای آنها وجود نداشت، هر چه سریع‌تر پیاده‌سازی کنند.

۳- تغییر و تحولات گسترده سازمانی معمولا در دنیا هستند و مقاومت‌ها و مخالفت‌ها با آن در اغلب موارد بسیار زیاد خواهد بود. پس برای ایجاد تغییر باید بسیار مصمم بود و از مانع‌تراشی‌های متعدد بر سر راه تغییر نباید ترسید و از ادامه مسیر منصرف شد.

داستان دوم

داستان دیگری که در مورد ضرورت سازگاری پیدا کردن با تغییرات سازمانی در اینجا نقل خواهد شد مربوط به سال ۲۰۰۲ و زمانی است که شرکت بزرگ و مشهور پابلیسیز گروپ اقدام به خریداری شرکت لئو بارنت کرد. در آن زمان، کارکنان شرکت لئوبارنت از این تحول بسیار خوشحال بودند چراکه پس از این ادغام به شرکت بزرگ و مشهوری منتقل می‌شدند که در تمام دنیا شناخته شده بود و می‌توانست با رقبایی بزرگ و جهانی رقابت کند. با این همه، پس از مدتی که از این تحول گذشت، کارمندان به‌وجود دو پیامد منفی ناشی از این ادغام پی بردند: ۱) روسای جدید در پاریس حضور داشتند و در نتیجه نمی‌توانستند کنترل و نظارت چندانی بر کارمندان جدید داشته باشند. در نتیجه کارمندان مجبور بودند بسیاری از کارها را خودشان انجام داده و تصمیماتی را اتخاذ کنند که این مسأله به نوبه خود چالش‌برانگیز بود. ۲) پس از ادغام به کارکنان شرکتی بین‌المللی تبدیل شده بودند که مقررات مالی متفاوتی بر آن حاکم بود و در نتیجه برخی از مزایای مالی که در شرکت‌های خصوصی وجود داشت و قبلا از آن بهره‌مند بودند، محروم شدند.

در نتیجه همین پیامدهای منفی خیلی زود علائم نارضایتی بین کارکنان شرکت لئو بارنت سابق آشکار شد و بعضی از آنها هیچ‌گاه نتوانستند شرایط جدید را بپذیرند و خود را با آن مطابقت بدهند. برخی از آنها به این معترض بودند که چرا شرکت لئوبارنت باید توسط شرکت دیگر خریداری شود و بهتر بود این شرکت برای خرید سهام شرکت دیگر اقدام می‌کرد نه اینکه به شرکت دیگری فروخته شود. بعضی دیگر از کارکنان نیز از تغییر در مزایای مالی خوبی که قبلا دریافت می‌کردند ناخشنود بودند و بعضی مدیران میانی شرکت نیز اینکه دیگر مدیر نبودند و در شرکت جدید پست پایین‌تری به آنها داده شده بود، ناراضی بودند.

با این همه، کارکنانی هم بودند که خیلی زود خود را با واقعیت‌های جدید مطابقت دادند و به این نتیجه رسیدند که افسوس خوردن برای گذشته و ناراضایتی از وضعیت حال نمی‌تواند دردی از آنها دوا کند. آنها در آن برهه زمانی کوشیدند تا دریابند چه فرصت‌هایی در بطن انتقال به شرکتی بزرگ‌تر و مشهورتر وجود دارد و اینکه چگونه می‌توان از این فرصت‌ها برای خدمات‌رسانی بهتر به مشتریان و رشد سازمان بهره برد.

در واقع از این نکته مهم و حساس آگاه بودند که هر تغییر و تحولی در آن سطح دارای پیامدهای چندوجهی و گوناگونی بود که فقط باید بر ابعاد مثبت و سازنده آن تمرکز کرد و پیامدهای منفی ناشی از تغییر و تحول را نادیده گرفت. این کارکنان به خوبی می‌دانستند که ادغام یک شرکت کوچک در شرکتی بزرگ‌تر به آن معناست که کارکنان شرکت کوچک‌تر باید خود را با شرایط حاکم بر شرکت بزرگ تطبیق داده و فرهنگ سازمانی آن را بپذیرند و حتی خود را برای این احتمال آماده کنند که ممکن است در شرکت بزرگ استقبال خوبی از طرف کارکنان شرکت میزبان از آنها نشود.

در واقع تطبیق یافتن کارکنان تازه‌وارد با یک سازمان، با فرهنگ سازمانی و ساختارهای عملیاتی آن چیزی نیست که با عدد و رقم بتوان آن را پیش‌بینی کرد و با بخشنامه و دستورالعمل بتوان آن را جا انداخت و در عمل می‌بینیم که در اغلب موارد آنچه پس از وقوع تغییرات روی کاغذ آمده است و انجام آن از کارکنان و ذی‌نفعان درخواست شده است با آنچه در عمل رخ می‌دهد فاصله بسیار زیادی از هم دارند و هر کدام از کارکنانی که چنین تجربه‌ای داشتند، داستان‌ها و روایت‌های خاص خود را از این تغییر و تحول بیان می‌کنند.

نویسنده: توبا کیوا ارشاد
مترجم: سید حسین علوی لنگرودی

شهردار کرج:

تامین زمین برای صنوف مزاحم وظیفه شهرداری نیست

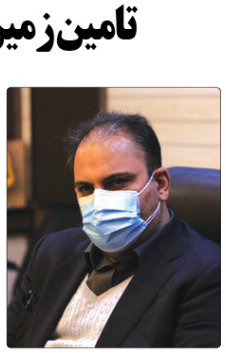

شهردار کرج تأکید کرد شهرداری وظیفه‌ای در قبال تأمین زمین برای صنوف و مشاغل مزاحم ندارد.

به گزارش پیام آشنا، علی کمالی زاده صبح شنبه در جلسه کمیسیون بند ۲۰ با اشاره به اهمیت ساماندهی مشاغل و صنوف مزاحم در خارج از محدوده شهر، گفت: برای مثال حضور سنگ فروشان در بلوار باغستان به‌جز مزاحمت برای شهروندان مشکلات زیست‌محیطی به همراه دارد. وی با تأکید بر اینکه شهرداری وظیفه‌ای در قبال تأمین زمین برای این قبیل صنوف ندارد، از مدیر منطقه سه خواست از توسعه سنگ فروشان در محدوده کیانمهر جلوگیری کند.

شهردار کرج با تأکید بر اینکه پیگیری در خصوص ساماندهی مشاغل و صنوف مزاحم باید مجدانه باشد، گفت: مدیران مربوطه این مهم را در دستور کار خود قرار دهند.

کمالی زاده در بخش دیگری به وضعیت مجموعه صنفی شیخ‌آباد اشاره کرد و گفت: این مجتمع برای استقرار صنوف و مشاغل مزاحم و آلاینده پیش‌بینی‌شده است درحالی‌که برخی از صنوف غیرمزاحم نیز در آنجا مستقرشده‌اند.

وی از سازمان ساماندهی مشاغل شهری و مدیران مناطق خواست به‌طور ویژه مبحث ساماندهی مشاغل مزاحم را در دستور کار قرار داده و آخرین وضعیت‌ها را گزارش کنند.

در پایان این جلسه در قالب مصوبه از مدیران مناطق سه و هفت خواسته شد نسبت به تشکیل پرونده بدوی و تجدیدنظر برای سنگ فروشان اقدام کنند.

همچنین از اداره کل حقوقی شهرداری کرج خواسته شد نسبت به پیگیری مستمر تملک‌های مختلف از مراجع قضایی اقدام کنند.

در ادامه مناطق سه و هفت موظف شدند با همکاری املاک مرکز نسبت به احصاء دقیق متراژ و پلاک‌های تحت تصرف متعلق به شهرداری اقدام کنند.

طبق مصوبات این جلسه از همه مناطق خواسته‌شده است نسبت به استقرار واحدهای صنفی مزاحم و آلاینده در مجتمع صنفی شیخ‌آباد ظرف مدت ۱۰ روز اقدام کنند.

همچنین منطقه دو و سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده‌های کشاورزی شهرداری کرج موظف به جلوگیری از توسعه واحدهای صنفی غیر مرتبط در مجتمع صنفی شیخ‌آباد شدند.

محمدیگی:

قوه قضاییه به عنوان مدعی العموم به موضوع آلودگی هوای تهران ورود کند

سخنگوی فراکسیون محیط زیست مجلس شورای اسلامی با تاکید بر اینکه این فراکسیون به صورت ویژه به موضوع آلودگی هوای تهران ورود خواهد کرد، گفت که قوه قضاییه نیز به عنوان مدعی العموم به این موضوع ورود کند.

به گزارش پیام آشنا، فاطمه محمدبیگی به تشدید آلودگی هوا در برخی از شهرهای کشور گفت: در حال حاضر شاهد وضعیت بغرنج و اسفناکی در حوزه وضعیت آلودگی هوای تهران و برخی کلانشهرها و شهرهایی از جمله آبیک در استان قزوین هستیم که به واسطه آن مشکلاتی در حوزه زیست محیطی به وجود آورده و جان هم وطنان ما را تهدید می کند. متاسفانه همه ساله شاهد این موضوع هستیم و مردم از آن رنج می برند.

وی با تاکید بر لزوم مطالعه و پژوهش در این حوزه برای رسیدن به راهکارهای بلندمدت افزود: باید تمرکز بیشتری بر اجرای قانون هوای پاک کرد. با توجه به اینکه این قانون مرجع خیلی خوبی برای کنترل و کاهش آلودگی هوای تهران و کلانشهرهاست باید احیا شده و جدی تر از قبل مورد توجه قرار گیرد.

سخنگوی فراکسیون محیط زیست مجلس شورای اسلامی تاکید کرد که مجلس و به صورت ویژه فراکسیون محیط زیست در حوزه آلودگی هوای تهران ورود می کند و پیگیر این موضوع با حضور مسئولان مرتبط خواهد بود تا بتوانیم در سایه تصمیمات اتخاذ شده شاهد احیای قانون هوای پاک توسط دستگاه‌های مسئول باشیم.

محمدبیگی ادامه داد: مجلس شورای اسلامی به صورت جدی موضوع نظارت بر اجرای قانون هوای پاک و احیای آن از سوی دستگاه‌های مختلف را پیگیری خواهد کرد چرا که آلودگی هوا یک مسأله بین‌بخشی است و یک دستگاه به تنهایی نمی‌تواند آن را حل کند.

به گفته وی یکی از مهمترین دلایل آلودگی هوا، کوتاهی و عمل نکردن دستگاه‌های مرتبط به وظایفشان است لذا ضرورت دارد دستگاه‌هایی که در زمینه کاهش آلودگی هوا همکاری لازم را نکرده‌اند به مردم معرفی شوند.

این عضو هیات رئیسه کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: قرار گرفتن تعدادی از کلان شهرهای کشور از جمله پایتخت در وضعیت وخیم آلودگی هوا باعث شده ریه های هموطنان ما در تهران و برخی کلانشهرها آکنده از مازوت تولید شده توسط برخی نیروگاه ها شود، این موضوع از سوی سازمان محیط زیست و براساس آنالیز الاینده‌گی در هوای تهران تایید شده اما متاسفانه شاهد فرافکنی برخی از مسئولان در این خصوص و عدم پاسخ صریح و روشن آنها هستیم.

وی افزود: بی شک غلظت الاینده‌گی در شهرهای بزرگ برای اقشار مختلف مردم به ویژه گروه های حساس از جمله بیماران قلبی و ریوی، زنان باردار، کودکان و سالمندان بسیار خطرناک است لذا ضرورت دارد تصمیمات آنی برای این موضوع اتخاذ شود نه اینکه شاهد کوتاهی دولت و دستگاه های متولی در انجام وظایف و تعهدات خود در جهت کنترل هوای پاک و مدیریت آلودگی هوا باشیم آن هم به گونه ای که در جلسات کاهش کنترل آلودگی هوای کلانشهرها برخی از دستگاه‌های متولی حضور نداشته و یا به صورت مناسب و شفاف پاسخ نمی دهند. با توجه به اینکه این موضوع با سلامت مردم ارتباط مستقیم دارد سوال اینجاست که سلامت مردم برای متولیان قانون هوای پاک در چه جایگاهی قرار دارد؟

محمدبیگی در پایان گفت که این موضوع در مجلس و به صورت ویژه در فراکسیون محیط زیست بررسی خواهد شد و از مسئولان نیز مطالبه گری لازم را در قالب ارائه گزارش عملکرد خود در خصوص مسئولیتشان در حوزه هوای پاک خواهیم داشت. همچنین از قوه قضاییه خواهان ورود به این موضوع به عنوان مدعی العموم هستیم.

وام مسکن افزایش می یابد؟

مسئولان شبکه بانکی و متولی بخش مسکن امروز درخصوص اعمال برخی تغییرات در نوعی از تسهیلات مسکن تصمیم‌گیری می‌کنند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از دنیای اقتصاد، روز گذشته خبری به نقل از متولی مسکن در وزارت راه وشهرسازی منتشر شد مبنی بر اینکه سقف تسهیلات مسکن افزایش خواهد یافت و امروز ۱۷ دی در جلسه‌ای درخصوص افزایش رقم تسهیلات مسکن تصمیم‌گیری خواهد شد.

در این خبر که روز گذشته به نقل از متولی مسکن منتشر شد اعلام شد: امکان افزایش سقف تسهیلات مسکن در جلسه‌ای با مسئولان بانک مرکزی وجود دارد که در این جلسه درخصوص افزایش سقف تسهیلات خرید و ساخت مسکن و همچنین میزان این افزایش تصمیم‌گیری خواهد شد و این افزایش با توجه به بررسی‌های انجام شده و منابعی خواهد بود که بانک مرکزی می‌تواند به این امر تخصیص دهد. در حالی که در این خبر که روز گذشته منتشر شد از احتمال افزایش تسهیلات خرید و ساخت مسکن صحبت شده است، اما پیگیری‌های روز گذشته «دنیای اقتصاد» نشان داد در جلسه‌ای که امروز با حضور مدیران ارشد بانکی، سیاست‌گذار پولی و مقامات بخش مسکن برگزار می‌شود قرار است درباره دو موضوع تصمیم‌گیری شود.

یک موضوع درخصوص افزایش سقف تسهیلات ساخت مسکن ملی (طرح اقدام ملی مسکن) از رقم ۱۰۰ میلیون تومان به ۱۵۰ میلیون تومان و موضوع دیگر درخصوص کاهش سود این تسهیلات برای سازنده‌ها از ۱۸ درصد به ۱۲ درصد است. قرار است در صورت نهایی شدن این تصمیم مابه‌التفاوت سود ۱۲ درصدی تا سود ۱۸ درصدی از سوی دولت به شبکه بانکی پرداخت شود.

در واقع اصل ماجرا حول محور این دو موضوع خواهد بود و تصمیمی از بابت رایزنی برای افزایش سقف تسهیلات خرید مسکن در این جلسه وجود ندارد. این در حالی است که افزایش سقف تسهیلات خرید مسکن یکی از توصیه‌های کارشناسی در مقطع زمانی فعلی به منظور رفع انجماد از بازار معاملات مسکن و کاهش عمق رکود از یکسو و تقویت قدرت خرید متقاضیان مصرفی مسکن از سوی دیگر است. با این حال برخلاف وجود این ضرورت و توصیه کارشناسان و نیاز بازار، تصمیمی در میان سیاست‌گذاران برای افزایش سقف تسهیلات خرید مسکن وجود ندارد.

بهای نابودی جنگل‌های حرّا چیست؟

خبر تخریب و تهدید محیط زیست همواره سرتیتر اخبار مناطق مزبان تاسیسات صنعتی بزرگ هستند محیط زیست و زیست‌بوم‌های منطقی که خیال توسعه در سر دارند معمولا بی پناهترین عناصری هستند که زیر چرخ‌های توسعه نابود می‌شوند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، جوامع محلی به ویژه آنها که گرد محرومیت بر چهره دارند، از گذشته تا امروز همواره خواستگاه مطالبات اقتصادی و رفاهی بوده اند. استان بوشهر که گاه از صفت محرومیت برای شرح روند معیوب، توسعه در آن استفاده می شود نیز به جهت میزبانی از صنایع بزرگ نفت و گاز یکی از کانون های این مطالبات بوده است. مطالبات در حوزه هایی که رفاه عمومی را در پی دارد لزوماً نیا نیست ضامن خوشبختی یا سرانجام خوشایندی باشد. گاه توسعه همراه است با مخاطراتی برای زیستگاه های انسانی، طبقات فرودست یا جغرافیایی به خصوص

تجربه‌ی مناطق توسعه یافته تری همچون اصفهان و اراک و یا حتی کشورهایی نظیر چین گواهین مدعاست که توسعه‌ی صرف یا اسیب هایی زیستی و انسانی همراه است که امروزه مصادیق آن را به شکل آلودگی هوا یا حاشیه نشینی و... می بینیم

طی سالیان اخیر در استان بوشهر با انسجام سازمان های مردم نهاد و فعال تر شدن حامیان محیط زیست شاهد دو کنش مدنی در مخالفت در برابر عملیات توسعه ای آسیب زا بوده ایم مرداد ماه ۱۳۹۶ مردم آبپخش دشتستان تا تجمع خود مانع از کلنگ زنی پروژه مجتمع پتروشیمی شدند معترضین آسیب زا بودن این پروژه برای محیط زیست و کشاورزی منطقه و همچنین نامشخص بودن منابع تأمین آب پروژه را دلیل اعتراضی می دانستند که در نهایت باعث تعلیق اجرای پروژه شد.

پس از آن نیز حرکاتی همچون پویش نجات بیرمی برای اعتراض به فعالیت معدن سنگ مرمریت دشتی صورت گرفت. در روزهای اخیر اهل مردم جنوب استان بوشهر در بندر دیّر در حرکتی نمادین و نصب پلاکاردهایی در حمایت و لزوم حفظ حیات جنگل حرا به پروژه پرورش میگو در حریم این اکوسیستمی نظیر معترض شدند.

حفظ محیط زیست یک سوی این دو نمونه اعتراض مردمی است. سوی دیگر اما بلوغ مدنی مردم استان بوشهر و رشد عقلانیت اجتماعی در برابر منافع محلی و گروهی است از زمان انقلاب صنعتی به این سو جوامع در برخورد با مسئله توسعه یافتگی بر خودهای متفاوتی داشته‌اند: برخی با پاوفادگی کامل کل هویت و دارایی های مادی و معنوی خود را فدا کرده اند و بعضی دیگر متمدنانه میان آنچه هستی زیستیشان است و چیزی که منجر به پیشرفت مادی و رفاهی می شود تمایز قائل شده اند.

شکل گیری شخصیت حقوقی برای اعتراضات

«اسماعیل حسام مقدم» دبیر انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات استان بوشهر در این باره به ایسنا می گوید: «در طول چند سال اخیر و رشد کمی و کیفی تشکل های غیردولتی به طور عام و انجمن‌های زیست محیطی و گروه های هویتی به طور خاص شاهد شکل گیری شخصیت حقوقی برای اعتراض و انتقاد از این رویه و نگرش طولانی مدت به استان بوشهر بوده ایم به لحاظ جامعه شناختی این رخداد، طبیعی ترین شکل مواجهه با نگرش تک بعدی به یک سرزمین و ذخایر آن است. متاسفانه صنایع بزرگ در استان بوشهر به هیچ وجه نسبت به مسئولیت‌های اجتماعی خود وقف نبوده و پایی اهمیت بوده اند»

مواجهه کالبد سرزمینی با ساتایع

این کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی عنوان کرد: «چه رخداد اعتراضی به کلنگ زنی پتروشیمی دشتستان، چه کمپین نجات بیرمی، چه در کمپین نجات جنگل حرا دیّر و چه در ماجرای نجات ساحل نایبند به طور خیلی واضحی می شود مواجهه کالبد سرزمینی با بهره برداران صنعتی را مشاهده کرد. در موارد بالا اگر به صورت کلی به این مواجهات بنگریم و وارد معاریف و جزییات تخصصی نشویم (که همیشه محل مناقشات پی نتیجه می شود) به وضوح یک برخورد اجتماعی و فرهنگی با مقوله صنعت در اذهان مردمان این سرزمین می شویم»

وی افزود: «الیتح باید در سطوح کلان مدیریتی صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در سطح ملی و استانی به این نکته توجه شود که این مواجهات می تواند چه پیامدهایی را برای توسعه پایدار و سرزمینی این استان رقم زند و آینده زندگی و زیست مردمان این استان را با چه مخاطرات جدی اجتماعی و فرهنگی مواجه سازد»

ناهنجاری های ساختاری

دبیر کل انجمن هلمون ایران افزود: «بی شک در استان بوشهر با این ناهنجاری های ساختاری مواجهیم و به نوعی کالبد سرزمینی و هویت اجتماعی- فرهنگی و معیشت اقتصادی مردم این استان را با سندروم روبه رو کرده است: نشانه های این سندروم را می شود در ماجراهای پتروشیمی دشتستان، کوه بیرمی، تالاب دیر و سواحل نایبند رد گیری کرد»

حسام مقدم معتقد است نگرش تک بعدی که در سطح مدیران کلان حاکمیت و دولت به استان بوشهر در طول این دو دهه شده است، کالبد این استان را به یک کارگاه بزرگ تبدیل نموده و از جنوب تا شمال این استان با مخاطرات محیطی گسترده‌ای مواجه است.

لزوم واکنش نخبگان

این روزنامه‌نگار و فعال اجتماعی در گفتوگو با ایسنا می افزاید: «حال باید دید که آیا دانشگاه های استان بوشهر نسبت به این مخاطرات صنعت متذکر هستند. آیا اساسا رشته هایی مانند جامعه‌شناسی صنعتی، یا توسعه و یا توسعه اقتصادی و یا جامعه شناسی محیط زیست و یا اقتصاد محیط زیست و یا رشته هایی از این دست در این دانشگاه ها بنا به ضرورت شکل گرفته اند؟ آیا اساسا طرح های مطالعاتی در گروه ها و دپارتمان های دانشگاهی این استان در باب این موضوعات صورتبندی شده اند؟ آنچه شکل گرفته نشان از آن دارد که نخبگان و دانشگاهیان استان نیز نسبت به این شرایط بحرانی بی توجه بوده اند و هیچ برنامه مشخصی هم در بین جامعه نخبگان استان بوشهر نسبت به این شرایط وجود نداشته و ندارد»

فرصتی برای طرح متمدنانه مسائل

این مناقشات بی پایان محیط زیستی می تواند محلی برای گردهمایی فعالان و نخبگان استان بوشهر باشد. فرصت بی نظیری که ضمن تمرین گفتوگو، تلاشی است برای طرح متمدنانه ی چالش های زیست محیطی و رسیدن به توسعه پایدار.

رشد عقلانیت مدنی و مسئله محیط زیست

رشد عقلانیت مدنی که از آن صحبت می کنیم همان کنش متمدنانه‌ی مردم آبپخش و بندر دیّر است. توسعه لزوماً به هر بهایی منجر به نتایج خشونت کننده نیست. در مورد پیش آمده ی اخیر، مردم دیّر تشخیص دادند اشتغال زایی برای چند نفر محدود منافعی نیست که به بهای نابودی جنگل های حرّا بخرند. این بینش که خود ناشی از رشد عقلانیت و فرهنگ زیست اجتماعی است مرهون تلاش های سازمان های مردم نهاد و فعالین محیط زیستی است که در این سال‌ها سعی در بازتعریف ارزش های یک جامعه متمالی داشته اند. روزنه ی امیدی که می تواند ما را به حل متمدنانه ی مشکلات زیست محیطی بزرگتر در مقیاس الاینده‌گی های مناطق صنعتی جنوب استان (کنگان، دیّر، جم و عسلویه) امیدوار کند.

تلنگر

۱۰۳ هکتار از باغ‌های پایتخت به برج تبدیل شد

رئیس کمیته معماری و طرح های شهری شورای اسلامی شهر تهران گفت: معتقدم مفهوم میراث را علاوه بر میراث فرهنگی باید به میراث طبیعی نیز تعمیم داد و در قوانین و مقررات ادبیات موضوع میراث طبیعی را توسعه داد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، علی اعطا در نشست اینستاگرامی انجمن مفاخر معماری ایران با موضوع "زندگی و مرگ باغ های تهران؛ تجربه دهه های هشتاد و نود" گفت: عنوان این صحبت را زندگی و مرگ باغ های تهران گذاشتم که روی دو دهه ۸۰ و ۹۰ متمرکز باشم که کمتر به صورت جامع به آن نگاه شده و بحث ها درمورد باغ های تهران عمدتا جنبه رسانه ای به خود گرفته تا یک نگاه جامع نگر و پژوهشی.

رئیس کمیته معماری و طرح های شهری شورای اسلامی شهر تهران افزود: پژوهش درباره باغ ها دهه هاست که مورد توجه پژوهشگران است. اساسا زاویه نگاه برخی پژوهشگران ساختارهای باغ های ایرانی است. برخی دیگر به باغ از منظر ویژگی های اقلیمی و بومی نگاه می کنند و بعضی دیگر نیز از منظر مسائل مفهومی و آیینی و بعضا تطبیق عناصر و ویژگی های باغ با مبانی دینی بحث و پژوهش می کنند. برخی از پژوهشگران نیز زاویه دیدشان به باغ تاریخ است.

وی با اشاره به تمرکز به موضوع باغ از منظر قوانین و مقررات و منفعت اظهار کرد: برای اینکه بتوانیم به یک نگاه دقیق تر از موضوع باغ ها در تهران برسیم، نیاز است تحلیل این موضوع را از دو منظر وابسته به هم یعنی منافع عمومی و خصوصی در کنار ضوابط و مقررات و مبانی حقوقی توجه کنیم.

اعطا در ادامه گفت: در بحث باغ ها مجموعه ای از قوانین و مقررات و ضوابط ملاک عمل در دوران بعد از انقلاب وجود داشته که مربوط به لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۷ خرداد ماه سال ۵۹ شورای انقلاب است. این لایحه سنگین‌ترانه نسبت به حفاظت از باغ ها از منظر حفظ درختان یعنی عنصر سبز پیش بینی شده است که اگر کسی درختی را قطع کند، مجازات چیست و...

وی ادامه داد: این لایحه تا سال ۸۸ ملاک عمل بوده است و در سال ۸۸ از طریق مجلس شورای اسلامی و اصلاحاتی از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام در متن این قانون تغییراتی اتفاق می افتد و ملاک عمل قرار می گیرد. اولین باری که به طور مشخص در قوانین به طور خاص در مورد نحوه مواجهه با طرح های توسعه شهری با موضوع باغ تعیین تکلیف می شود در سال های ۷۲ الی ۷۴ است. در این دوره با دستور العملی مواجهیم که دستورالعمل ماده ۴ قانون زمین شهری است و به مالکان اجازه داده می شود که در باغ هایی که تحت تملک دارند بتوانند تا حد محدودی ساخت و ساز کنند.

اعطا توضیح داد: این میزان محدودیت در حد ۱۵ درصد سطح زمین است که این ضابطه به عنوان یک ضابطه محدود کننده در کنار ماده قانونی قطع درختان قرار می گیرد و عملا نتیجه‌ای ایجاد می کند که تضاد در دو نوع منفعت است.

به گفته اعطا این دستورالعمل در حوزه صلاحیت وزیر مسکن و شهرسازی است و از منظر محدود کننده به ساخت و ساز در باغ نگاه می کند که سطح گسترده ای از باغ را حفظ می کند و به محدوده مختصری اجازه ساخت به مالکان داده شود.

وی ادامه داد: اولین راهکاری که به ذهن مالکان خصوصی برای رسیدن به منفعت اقتصادی می رسد، این است که از شمول مجموعه ضوابط و مقررات خارج شود بر این اساس آن ها به دنبال آن هستند که مفهوم عرفی باغ تغییر کند. این دستورالعمل ملاک عمل بوده و آسیب در این باره وجود داشته و باعث حذف تدریجی درختان بر خلاف لایحه قانونی سختگیرانه شده است.

سخنگوی شورای شهر افزود: در سال ۸۲ مصوبه ای در شورای اسلامی شهر تهران به تصویب رسید که ریشه بسیاری از مسائل است. در این مصوبه که در اسفند و در فروردین یا شاید اردیبهشت سال ۸۳ با اصلاحات به تصویب رسید، تلاش شد در قالب یک ماده ضابطه مواجهه با باغ ها در مورد شهر تهران از سایر استان ها مستثنی شود. این لایحه از سوی احمدی نژاد به شورای دوم ارائه شد که تهران را مستثنی کند. مستثنی کردن تهران مسیری را طی می کند که در پهنه های طرح های توسعه شهری اگر یک پلاک ضوابط باغ داشته باشد، در مقایسه با پلاک مجاور که ضوابط باغ بر آن حاکم نیست مورد توجه قرار می گیرد. در اینجا می گویند برای جبران ضرر و زیان مالکان و حفظ باغ سطح اشغال را نصف حالت متعارف کاهش دهیم. به این ترتیب سطح اشغال به ۳۰ درصد کاهش پیدا می کند و به لحاظ تعداد طبقات به دوبرابر افزایش می یابد به طور مثال ۵ طبقه در ۲۰ درصد به ۱۰ طبقه در ۳۰ درصد می رسد. سپس برای جبران هزینه ساخت ارتفاع و حفظ باغ تراکم اضافه تری هم به مالکان اختصاص می دهند که بعضا به ۱۱ طبقه افزایش پیدا کند.

وی ادامه داد: ظاهر امر این است که نیت خیر خواهانه برای حفظ باغ انجام شده است اما در عمل چنین اتفاقی نمی افتد. این ضابطه در عمل به شکل دیگری دو نوع منفعت را کنار هم می گذارد و عملا برای منفعت مالکان خصوصی منافع شهر نادیده گرفته می شود و اینها در تضاد قرار می گیرند.

اعطا اضافه کرد: در حقیقت در طبقات زیرین باغ ها خاکبرداری تا ۱۰۰ درصد اتفاق افتاده و اساسا باغی باقی نمانده است که تصور شود ۳۰ درصد ساختمان ساخته شده و باغ حفظ شده است. مصوبه ای که بعدا به برج باغ ها مشهور شد باغ ها را تبدیل به به برج هایی کرد با تعدادی گلدان به دور برج.

وی با اشاره به اینکه تقریبا تمام یا اکثریت قریب به اتفاق ساختمان های بلندی که در کوچه های کم عرض شمال شهر مشاهده می شود، بر اساس این ضابطه ساخته شده است، اظهار کرد: اتفاق بد تر این است که مصوبه شورای دوم در سال های ۸۲ و ۸۳ در طرح جامع ابلاغی تهران در سال ۸۶ که هنوز ملاک عمل است تحت عنوان پیوست شماره ۳ یا دستورالعمل ماده ۱۴ قانون زمین شهری تهران وارد می شود.